

A Critical Analysis of Modern Arabic Literature, The Cambridge History of Arabic Literature

Article Type: case study

Khadijeh Shah Mohammadi^{1*}, farzaneh akbarilahromi², Faramarz
Mirzaei³

- ¹. Master of Arabic Language and Literature, Shahid Beheshti University, Faculty of Literature and Humanities, Tehran, Iran
- ². Arabic language and literature expert, Allameh Tabatabaei University, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, Tehran, Iran
- ³. Professor of Arabic language & literature, Tarbat Modares University, Faculty of Humanities, Tehran, Iran.

Abstract

It is not possible to collect the literary topics of modern Arab literature in one book because of the historical, geographical and thematic extent; However, Cambridge University has done this by dedicating one volume of the six-volume collection of the history of Arabic literature to modern Arabic literature. Mohammad Mostafa Badawi, a professor at Oxford University, with the cooperation of ten professors of Arabic language and literature from leading universities in the world, compiled this book based on poetic and prose topics in fourteen chapters, in order to familiarize the people of the Maghreb with contemporary Arab literature. This book is divided into four sections: "Grounds of Awakening"; "eloquent and popular contemporary poetry"; "Modern Arabic Prose Techniques" and "Contemporary Prose Criticism" have been organized. The analysis of the quantitative and qualitative content and citations of the book shows that the ratio of the volume of prose to poetry is more than double, and the largest volume of the book is dedicated to the Arabic novel, and from the qualitative aspect, the important feature of this book is the historical analysis of each literary type based on the course of evolution. It is innovative in dealing with the two topics of "Women Writers of the Arab World" and "Arabic Folk Poetry" and from the citation aspect, although in order to prevent the volume of the book and to simplify the presentation of the material, the reference footnotes have been removed in many chapters. but the wide range of sources used in the bibliography section can be a valuable reference for knowing the sources of modern Arabic literature in Arabic and English.

Keywords: modern Arab literature, poetic techniques, prose techniques, Cambridge history, Mustafa Badawi.

*Corresponding Author

nedashahmohammadi2019@gmail.com

تحليل انتقادی کتاب ادبیات نوین عرب تاریخ ادبیات عربی کمبریج

نوع مقاله: مطالعه موردی

خدیجه شاه محمدی^{۱*}، فرزانه اکبری لهرمی^۲، فرامرز میرزائی^۳

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ایران، تهران
کارشناسی زبان و ادبیات عربی، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، ایران، تهران
استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، ایران، تهران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۶

چکیده

نمی‌توان موضوعات ادبی ادبیات نوین عرب را به خاطر گستردگی تاریخی، جغرافیایی و موضوعی در یک کتاب گردآورد؛ اما دانشگاه کمبریج با اختصاص یک جلد از مجموعه شش جلدی تاریخ ادبیات عربی به ادبیات نوین عرب، این مهم را انجام داده‌است. محمد مصطفی بدوی استاد دانشگاه اکسفورد با همکاری ده استاد زبان و ادبیات عربی دانشگاه‌های مطرح دنیا این کتاب را براساس موضوعات شعری و نثری در چهارده فصل، به منظور آشنایی مردمان مغرب زمین با ادبیات معاصر عرب تدوین کرده‌اند. این کتاب در چهار بخش «زمینه‌های بیداری»، «شعر معاصر فصیح و عامیانه»، «فنون نثر نوین عربی» و «نقد و بررسی نثر معاصر» تنظیم شده است. تحلیل محتوای کمی و کیفی و استنادی کتاب نشان می‌دهد که نسبت حجم نثر به شعر بیش از دو برابر است و بیشترین حجم کتاب به رمان عربی اختصاص دارد و از جنبه کیفی ویژگی مهم این کتاب، تحلیل تاریخی هر نوع ادبی بر اساس سیر تحول آن است و در پرداختن به دو موضوع «زنانه نویسان جهان عرب» و «شعر عامیانه عربی» نوآوری دارد و از جنبه استنادی اگر چه برای پیشگیری از حجم کتاب و ساده کردن ارائه مطالب در بسیاری از فصل‌ها پاورقی‌های ارجاعی حذف شده است، اما گستردگی منابع استفاده شده در بخش کتاب‌شناسی می‌تواند یک مرجع ارزشمند برای شناخت منابع ادبیات نوین عربی به زبان عربی و انگلیسی باشد.

کلیدواژه‌ها: ادبیات نوین عرب، فنون شعری، فنون نثری، تاریخ کمبریج، مصطفی بدوی.

طرح مسأله

تألیف کتابی جامع درباره ادبیات معاصر، به خاطر گستردگی تاریخی، جغرافیائی و موضوعی آن، ناممکن به نظر می‌آید؛ اما دانشگاه کمبریج که در زمینه کتاب های دانشگاهی پیشتاز است، با اختصاص یک جلد از مجموعه شش جلدی تاریخ ادبیات عربی این مهم را انجام داده است. نویسندگان کتاب (Modren Arabic Literature) از مجموعه (ombrigde Hitory of Arabic Literature) کوشیده‌اند تا تصویری جامع از ادبیات معاصر را به جویندگان دانش ارائه دهند. محمد مصطفی بدوی (۱۹۲۵-۲۰۱۲) عضو هیأت علمی دانشگاه اکسفورد این کتاب را با همکاری محققان شناخته شده دانشگاه های معتبر جهان، تألیف کرده‌اند.

این کتاب را گروهی از مترجمان عرب با نام "تاریخ کمبریج للأدب العربی؛ الادب العربی الحدیث" در دو جلد ترجمه کرده‌اند. این کتاب از نظر موضوع، نویسندگان، ناشر و مترجمین اعتبار بسیار زیادی دارد و شاید کمتر کتابی را بتوان یافت که چنین اعتباری داشته باشد از این رو شایسته نقد و ارزیابی است.

چالش اصلی تدوین کتابی درباره ادبیات معاصر عرب، همان گستره تاریخی، جغرافیائی و موضوعی است که بیش از دویست سال حوادث گوناگون در هم تنیده با ادبیات، بیست یک کشور عربی و گونه های ادبی را با تنوع موضوعات در برمی‌گیرد. این گستردگی، تدوین یک کتاب نقدی تحلیلی از ادبیات معاصر عربی را مشکل می‌کند. از این رو نویسندگانی که یک کتاب جامع در حوزه ادبیات معاصر عربی را نگاشته‌اند، در چالۀ کلی نویسی با اطلاعات عمومی افتاده و کمتر به نقد و تحلیل عمیق پدیده‌های ادبی پرداخته‌اند.

آیا کتاب ادبیات معاصر عربی تاریخ ادبیات عربی کمبریج ویژگی های یک کتاب مرجع علمی در ادبیات معاصر عربی دارد؟ معایب و مزایای این کتاب چیست؟ آیا با توجه به تعدد نویسندگان کتاب، انسجام علمی لازم یک مرجع علمی را دارد؟

پاسخ به این پرسش های نیاز به تحلیل و بررسی کتاب دارد، اما به نظر می‌آید که کتاب ادبیات نوین عربی دانشگاه کمبریج، با وجود اعتبار دانشگاهی و نویسندگان آن، با همان چالش گستردگی و روبروست و نتوانسته به شکلی درست آن را حل کند. شاید نویسندگان آن، بیشتر قصد معرفی ادبیات نوین عرب را به غرب داشته‌اند تا تحلیل و نقد و بررسی دقیق آن.

پیشینه تحقیق

در زمینه نقد کتاب‌های ادبیات عربی در چند سال گذشته مقالات فراوانی در مجله علمی پژوهشی داخل کشور چاپ شده است. مقاله «نقد و بررسی کتاب مختارات من الشعر العربی الحديث، اثر مصطفی بدوی» نوشته مختاری و فرخی، که با بررسی کتاب گزیده های شعر نوین و تمجید از مقدمه ارزشمند این کتاب نتیجه گرفته‌اند که نویسنده با تقسیم شاعران براساس گرایش‌های ادبی، هوشمندانه نمونه شعرهایی از آنان برگزیده است، اما فقدان شرح و تحلیل اشعار، بی‌توجهی به شعر مقاومت، ارجاع ندادن به منابع و نداشتن پاورقی، از عیب‌های این کتاب دانسته‌اند. (مختاری، فرخی، ۱۳۹۴: ۱۱۲) همچنین مقاله تحلیل انتقادی کتاب «الاتجاهات والحركات في الشعر العربي الحديث نوشته سلمی خضراء جیوسی» از میرزائی و ابویسانی نشان می‌دهد که نویسنده در ارائه موضوعات شعر معاصر عرب از رویکرد تاریخی - نقدی و براساس تقسیم‌بندی جغرافیایی بهره می‌برد. این امر کتاب را از ارائه موضوعی و منظم خارج می‌کند، اما اطلاعات «دائرةالمعارف» ارائه شده، این کتاب را به مرجعی برای پژوهشگران شعر معاصر تبدیل کرده است. (میرزائی و ابویسانی، ۱۳۹۳: ۱۴۷)

مقاله «نقد و بررسی الفنون الادبية واعلامها في النهضة العربية الحديثة» نوشته پروینی و محمدی که نتیجه گرفته‌اند: «رویکرد نویسنده در این کتاب رویکرد علمی - فنی و روش نقدی او فنی و جامعه‌شناختی است». (پروینی و محمدی، ۱۳۹۳: ۱۰۹)

مقاله «بررسی و نقد کتاب أعلام الأدب العربی الحديث واتجاهاتهم الفنية» اکبری زاده نتیجه گرفته که این کتاب، در کاربست تجربه شخصی و تحلیل ذوقی در نقد ادبی و نیز شمولیت بحث در چهار حوزه مهم از ادبیات این کتاب از لحاظ برخی نکات محتوایی و غالباً شکلی دچار نقیصه‌هایی است و نمی‌توان آن را مرجعی همه‌جانبه و در زمره منابع اصلی برنامه آموزشی رشته زبان و ادبیات عرب معرفی کرد. (اکبری زاده، ۱۳۹۸: ۱۵) مقاله «آسیب شناسی الجامع فی تاریخ الأدب العربی الحديث» از فرهاد رجبی که نتیجه می‌گیرد، حنا فاخوری با جامعیت و بهره‌گیری از اصول جدید، تاریخ قابل قبولی ارائه می‌کند، اما آسیب‌هایی دارد که تاحدودی آن را از معیارهای علمی تاریخ ادبیات‌نگاری دور کرده است. (رجبی، ۱۳۹۶: ۱۱۵)

تاکنون پژوهشی درخور درباره کتاب "ادبیات نوین عربی تاریخ ادبیات عربی کمبریج" انجام نشده است و با توجه به اهمیت این کتاب، نقد و بررسی آن ضروری به نظر می‌آید.

– معرفی کتاب ادبیات نوین عرب تاریخ ادبیات عربی کمبریج

گردآورنده کتاب ادبیات نوین عرب تاریخ ادبیات عرب کمبریج، "محمد مصطفی بدوی" نام دارد که چند فصل مهم این کتاب را هم نوشته است. وی استاد دانشکده سان آنتونی دانشگاه اکسفورد بود و در سال ۱۹۹۳ در چاپخانه کلارندون دانشگاه اکسفورد کتاب "موجز تاریخ الادب العربی الحدیث" را منتشر کرد که در آن، تحول شعر و شاعران برجسته معاصر، رمان و داستان کوتاه و رمان نویسان برجسته و نمایشنامه و نمایشنامه نویسان بزرگ را معرفی کرد و نگرش جدیدی به غربیان داد. (بعلی، ۲۰۱۸، ص ۲۲۵).

کتاب شش جلدی تاریخ ادبیات عرب کمبریج (Cambridge History of Arabic Literature) براساس سایت انتشارات کمبریج (<https://www.cambridge.org/ir/series/cambridge-history-arabic-literature>) به ترتیب: جلد نخست تا پایان دوره اموی، جلد دوم دوره عباسی، جلد سوم ادبیات نوین عرب، جلد چهارم دین، آموزش و دانش در دوره عباسی، جلد پنجم ادبیات اندلس و جلد ششم ادبیات عربی در دوره بعد از کلاسیک یا دوره انحطاط از قرن دوازدهم میلادی تا نوزدهم میلادی است. انتشارات کمبریج این کتاب را در سال ۱۹۹۲ با اشراف دکتر محمد مصطفی بدوی هیأت علمی بخش آنتونی دانشگاه اکسفورد چاپ کرد و در سال ۲۰۰۶ آن را تجدید چاپ نمود. براساس اصل انگلیسی، این کتاب شامل چهارده فصل و جدول وقایع نگاری در آغاز کتاب و یک کتاب شناسی در آخر کتاب است.

– **بخش وقایع نگاری (مسرد زمانی):** سرآغاز این کتاب، یک جدول شش صفحه‌ای شامل مهم‌ترین رخدادها و تاریخی از مرگ محمد بن عبدالوهاب ۱۷۸۷م تا پایان اشغال کویت و شکست عراق در جنگ دوم خلیج فارس به سال ۱۹۹۱ است. (بدوی، ۲۰۰۲: ۱۱) با آنکه تمامی مورخان حمله ناپلئون بنپارت را در سال ۱۷۹۸ آغاز تاریخ ادبیات معاصر می‌دانند، اما ثبت حادثه مرگ محمد بن عبدالوهاب که چند سال قبل از این حمله رخ داد، به عنوان نخستین حادثه تاریخ ادبیات معاصر، دقت محمد مصطفی بدوی را نشان می‌دهد، زیرا اندیشه وهابیت تأثیر بسیار زیادی در اندیشه دینی معاصر و تعامل مستقیمی با ادبیات معاصر عرب دارد. تمامی حوادث این جدول شش صفحه‌ای سیاسی است و به رخدادها و جنجال‌های ادبی توجهی نشده است.

در این بخش، نقشه کشورهای عربی به همراه جمعیت وجود دارد که کشورهای موریتانی، صومالی و جیبوتی را نیآورده است، شاید به خاطر نقش بسیار کم این کشورها در ادبیات معاصر عرب باشد؛ با این وجود هیچ اشاره‌ای به کشور فلسطین و نویسندگان و شاعران این دیار نکرده است! اگرچه در بخش‌های گوناگون کتاب اشاراتی به آنان دارد. (سکوت، ۱۹۹۴: ۱)

تحلیل کمی کتاب

این کتاب از لحاظ موضوعی چهار بخش اصلی دارد:

نخست، زمینه‌های تاریخی بیداری ادبی: در یک فصل با عنوان پیش‌درآمد که به اسباب تاریخی "بیداری ادبی" می‌پردازد. شامل یک پیش‌زمینه (ص ۱۷) از محمدمصطفی بدوی (M.M.BADAWI) از دانشگاه اکسفورد (University of Oxford) و نوشتاری با عنوان ترجمه و پذیرش (ص ۴۹) از پییرکاکیا (Pierre Cachia) استاد دانشگاه کلمبیا (Columbia University) است. این فصل ۳۵ صفحه (۱-۳۵) کتاب انگلیسی و ۵۱ صفحه (۱۷-۶۸) از ترجمه عربی آن را در بر گرفته است.

دوم، شعر معاصر عرب: چهار فصل از این کتاب به شعر معاصر عرب اختصاص دارد: فصل دوم، شعر بازگشت (نومحافظه‌کاران) نوشته سین.سومیخ (S. SOMEKH) استاد دانشگاه تل آویو (Tel Aviv)؛ فصل سوم، شعر رمانتیک نوشته ر.سی.استل (R.C.OSTLE) از دانشگاه اکسفورد (Oxford)؛ فصل چهارم، نوگرایی شعری در ادبیات عربی از سلمی خضرآء جیوس (SALMA KHADRA jAYYUSI) از دانشگاه کمبریج و ماساچوست (Cambridg, Massachusetts) و فصل چهاردهم، شعر عامیانه نوشته مارلین بوت (MARILYN BOOTH) از دانشگاه ایلینوی در اربانا- چمپین (University of Illinois at Urbana—Champaign). این بخش در مجموع ۱۶۴ صفحه را از اصل انگلیسی و ۲۳۲ صفحه را از ترجمه عربی در بر گرفته است.

سوم، فنون نثر معاصر عربی (رمان، داستان کوتاه و نمایشنامه): شامل شش فصل که سه فصل آن درباره رمان عربی است: به ترتیب فصل پنجم، آغاز رمان عربی (ص ۲۶۵) از روجر

آلن (ROGER ALLEN) از دانشگاه پنسیلوانیا و فیلادلفیا (Pennsylvania, Philadelphia)، فصل ششم: پختگی رمان در خارج از مصر (ص ۲۸۱) از روجر آلن. فصل هفتم: رمان مصر از داستان زینب تا ۱۹۸۰ (ص ۳۲۳) از هیلاری کیلپاترک (HILARY KILPATRICK) از دانشگاه برن (Berne) و یک فصل یعنی فصل هشتم درباره داستان کوتاه معاصر (ص ۳۸۷)، نوشته صبری حافظ (SABRY HAFEZ) از مدرسه شرق و آفریقاشناسی دانشگاه لندن (School of Oriental and African Studies, University of London). دو فصل درباره نمایشنامه است که فصل نهم: نمایشنامه عربی و تحولات زود هنگام (ص ۴۶۱) نوشته محمد مصطفی بدوی و فصل دهم: نمایشنامه عربی از دهه سوم (ص ۵۰۱) از علی راعی (ALI AL RAI) از دانشگاه عین شمس (AIN Ashams).

این بخش در مجموع ۲۲۱ صفحه از کتاب انگلیسی و ۳۰۱ صفحه از ترجمه عربی را به خود اختصاص داده است.

چهارم، نقد و بررسی نثر: فصل‌های یازدهم، دوازدهم و سیزدهم درباره نثر نویسندگان عرب است که فصل یازدهم: شیوه‌های نثر (ص ۵۶۷) از پیرکاکیا و فصل دوازدهم: ناقدان (ص ۵۸۵) از پیرکاکیا و فصل سیزدهم: زنان نویسنده (ص ۶۲۷) از ماریام کوک (MARIAM COOKE) از دانشگاه دوک (Duke University) است. در مجموع ۵۸ صفحه از کتاب انگلیسی و ۸۷ صفحه از برگردان عربی به این موضوع اختصاص یافته است.

محتوای کمی کتاب نشان می‌دهد که همچنان حجم کمی از تاریخ شش جلدی تاریخ ادبیات عربی به ادبیات نوین عرب اختصاص داده شده است زیرا گسترده‌تری تاریخی و موضوعی و جغرافیایی ادبیات نوین عربی می‌طلبد که حجم بیشتری به این دوره اختصاص یابد و اهتمام به نثر و مسائل آن خیلی بیشتر از شعر است. البته با توجه به رشد فنون نثر عربی به ویژه رمان این امر طبیعی به نظر می‌رسد. ضمن اینکه مردمان مغرب زمین با فنون نثر به ویژه رمان نزدیکی بیشتری دارند.

– تحلیل محتوایی کتاب

موضوع نخست کتاب «تاریخ ادبیات کمبریج: ادبیات معاصر عرب» زمینه‌های تاریخی بیداری ادبی است که با عنوان پیش‌درآمدی در یک فصل آمده است که در دو بخش «زمینه پیدایش» و «ترجمه و پذیرش» تدوین شده است. در این دو بخش مهم‌ترین زمینه‌های تحول در ادبیات معاصر عرب مانند: حمله فرانسه، دوره محمدعلی پاشا، چاپخانه و آغاز جنبش ترجمه و روزنامه‌نگاری پیروی از غرب، منابع تحول، کمک مسیحیان، انگیزه قوی نوآوری (صص ۲۱-۶۳) به شکل گذرا بررسی شده است.

اگر عناوین این فصل را با جدول زمانی رویدادهای تاریخ معاصر عرب که در یک جدول ۶ صفحه‌ای آورده است، مقایسه شود مشخص می‌گردد که هیچ‌گونه تناسبی بین این زمینه‌های ادبیات معاصر عرب و آن حوادث وجود ندارد. مهم‌ترین عاملی که به آن پرداخته است، «ارتباط با غرب» به عنوان مؤثرترین عامل تحول ادبیات معاصر عربی است که برترین کانال آن هم همان ترجمه از زبان‌های اروپایی بود. این امر تازگی ندارد تقریباً تمام مورخان ادبیات معاصر به آن پرداخته اند، مانند: شوقی ضیف در کتاب تاریخ ادبیات معاصر مصر (ضیف ۱۹۶۱: ۱۳) و شفیع کدکنی در تاریخ شعر معاصر عرب که تمامی تغییرات ادبیات معاصر عرب تابعی از تحولات ادبیات غرب می‌داند. (شفیع کدکنی، ۱۳۸۷، ص ۱۴) عمر دسوقی در کتاب فی الادب العربی الحدیث (۱۹۷۳: ۱۷) و حنافاخوری در تاریخ ادبیات معاصر عرب (۱۹۸۶: ۱۱) اما این نگرش، نقش بسیار مهم سید جمال الدین اسدآبادی در تحولات ادبی را نادیده می‌گیرد. (میرزائی، ۱۴۲۵: ۶۵) زیرا ورود سید جمال الدین اسدآبادی به مصر یکی از عوامل مؤثر تحولات سیاسی و ادبی در مصر و دنیای عرب بود که در جدول زمانی حوادث (بدوی، ۱۹۹۲: ص ۱۱-۱۷) هم به آن اشاره نکرده است، اگر چه نویسنده در یک بحث مهم با عنوان غرب‌گرایی و اسلام به تلاش‌های سید جمال الدین و اثر‌گذاری وی در روشنفکری دینی اشاره می‌کند. (همان، ۲۰۰۲: ۳۲) نویسنده به حق مهم‌ترین چالش معاصر دنیای عرب را «غرب‌گرایی» می‌داند. (همان: ۳۱) البته وی احیاء اندیشه دینی را ناشی از رویارویی با غرب نمی‌پندارد، زیرا از نظر وی آغاز جنبش اصلاح‌طلبی دینی با محمد بن عبدالوهاب (۱۷۰۳-۱۷۸۷) برای مبارزه با خرافات شروع شده بود (همان ۳۱) و روشنفکران دینی از اسلام در برابر هجوم غرب‌گرایان دفاع می‌کردند. (همان ۳۳) و نویسندگانی مانند طه حسین هم مصر را جزء فرهنگ تمدن مدیترانه می‌دانستند و هم کتاب‌هایی درباره سیره پیامبر (ص) می‌نوشت. (همان ص ۳۴)

بدوی تحولات ادبیات معاصر عرب را به سه دوره اصلی تقسیم می‌کند: دوره ترجمه و پذیرش شیوه جدید یا نومحافظه کاران (۱۸۳۴ تا ۱۹۱۴ م)، دوم دوره رمانتیک ملی‌گرایانه (۱۹۱۴ تا ۱۹۴۵ م) و دوره سوم را دوری از رمانتیک و شروع ایدئولوژی‌های متضاد می‌نامد که بعد از جنگ جهانی دوم، ادبیات عربی صحنه درگیری و تضارب بین جریان‌های فکری سوسیالیسم و ملی‌گرایی و دین باوری کرد و مفهوم تعهد ادبی یا همان التزام را مطرح نمود. (همان صص ۳۷ تا ۴۷) اما هیچ‌گونه توضیحی درباره دیدگاه این سه جریان به تعهد ادبی نمی‌دهد حال آنکه تعهد یا التزام یکی از مفاهیم چالش برانگیز جدی در حوزه نقد ادبی و ادبیات دهه پنجاه میلادی و بعد از آن است. (میرزائی و فقهی، ۱۳۹۷: ص ۹) ضمن اینکه دوره شکل‌گیری روشنفکری در دنیای عرب را در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بود، نادیده گرفته است. (الشرابی، ۱۹۸۱، صص ۱۵-۳۶)

در بخش ترجمه و پذیرش به نظر می‌آید که "کاکیا" حق مطلب را ادا نکرده است هرچند به یک نکته مهم روشنفکری دینی اذعان می‌نماید که در اواخر قرن نوزدهم یک گروه نخبه روشنفکر در دنیای عرب شکل گرفت، برتری غرب را در تمامی ابعاد زندگی به جزء دین که امری وحیانی بود، پذیرفته بود. (کاکیا، ۱۹۹۲: ص ۵۱) کاکیا عوامل اصلی جنبش ترجمه را در درجه اول به پشتیبانی‌های حکومت محمدعلی پاشا می‌داند که به منظور دستیابی به فناوری‌های نوین برای ایجاد ارتشی قوی، مترجمین را تشویق می‌کرد و مدرسه زبان‌ها با کمک رفاعة طهطاوی را برای ترجمه تاسیس نمود. (همان، ص ۵۲) و عامل دوم را مسیحیانی می‌داند که به منظور تبلیغ دین مسیحیت در حوزه ترجمه فعالیت‌های زیادی کردند زیرا با فرهنگ اروپایی همسویی داشتند. (همان، ص ۵۳) و در پایان مشکلات زبانی ترجمه را که ناشی از فقر زبانی مترجمین بوده است، بیان می‌نماید. (همان، ص ۵۸) به نظر می‌آید با توجه به مخاطب عام غربی، وی بیشتر در پی معرفی اجمالی ادبیات معاصر عرب و اسباب تحول آن بوده است تا نقد و تحلیل علمی و هنری آن.

دوم: شعر معاصر عربی

چهار فصل از این کتاب به شعر معاصر عرب اختصاص یافته است هر چند در مقایسه با فصولی که به نثر عربی اختصاص یافته، اندک می‌نماید.

فصل دوم را خاورشناس اسرائیلی ساسون سومیخ با عنوان شاعران محافظه کار (نیوکلاسیک) نوشته است که مترجم، آن را معادل به شاعران احیاء یا بازگشت (الشعراء الاحیائيون) برگردانده است و توضیح می‌دهد که اصطلاح کلاسیک‌های جدید از لحاظ فرهنگی و تاریخی برای شاعرانی که در این دوره بررسی شده اند، مناسب نیست. (بدوی، ۱۹۹۲: ص ۱۲۸)

در این فصل، سومیخ مدرسه کلاسیک جدید عربی را مرحله‌ای از مراحل شعر قدیم عربی می‌داند که در پیروی از شاعران برتر دوره با شکوه عباسی، مانند: متنبی، بحتری، ابوتام، ابوالعلاء معری و شریف‌رضی به تدریج و آرام، شکل گرفته است. (ص ۶۹) از نظر نویسنده شروع زود هنگام تحول شعر معاصر عربی در لبنان است، نه مصر و مهاجرت شاعران لبنانی به مصر در نیمه دوم قرن نوزدهم از عوامل اساسی تحول شعر بود، هر چند از نظر وی همچنان مصر سرزمین بارورکننده شعر معاصر است و سامی بارودی اولین شاعر بزرگ معاصر به شمار می‌رود. مهمترین ویژگی مضمونی شعر کلاسیک عربی را اهمیت به موضوعات خارج از ذات شاعر می‌داند که کمتر به احساسات درونی شاعر اهمیت می‌داد. سپس اغراض شعری قدیم مانند: مدح و ستایش، رثا و مرثیه و هجاء را که شکل سیاسی به خود گرفته بود، می‌پردازد و نمونه بارز آن را قصیده "هاشم و تری" محمد مهدی جواهری می‌داند. (صص ۷۹-۹۴)

سپس به «ساختار» شعر کلاسیک جدید می‌پردازد و نظریه بی‌ساختاری و از هم گسستگی شعر کلاسیک جدید را نمی‌پذیرد و چند نمونه از شعر احمد شوقی، سامی بارودی و معروف رصافی را به عنوان نمونه‌هایی که دارای ساختار تقریباً هماهنگی هستند، می‌آورد تا نشان دهد که شعر شاعران کلاسیک بی‌ساختار و بی‌انسجام شعری نیست. وی در این فصل «زبان شعری» شعر کلاسیک جدید عربی را محکم می‌داند که به خاطر الگوبرداری از شعر قدیم، واژگان بسیاری از آن نیاز به تفسیر و شرح دارد و تکرار همان تصاویر شعری شاعران کهن عربی است و در آخرین عنوان این فصل به «مواد زبانی جدید» شاعران نومحافظه‌کار می‌پردازد که در ایجاد یک زبان جدید شاعرانه ناتوان بوده‌اند (صص ۱۰۷-۱۲۷) تا افتخار این تغییر را به شاعران رمانتیک بدهند.

فصل سوم: شاعران رمانتیک

روبن استل استاد دانشگاه اکسفورد، نویسنده فصل سوم این کتاب، ظهور و رشد شعر رمانتیک عرب را ناشی از نابودی امپراطوری عثمانی و رشد ملی‌گرایی عربی می‌داند. شاعران رمانتیک

برای زنده کردن شعر عربی به اروپا چشم دوخته بودند که مهم‌ترین دست آورد آن، «قداست آزادی فردی» بود. این اندیشه در میان کشورهای عربی بازتاب گسترده‌ای داشت. وی خلیل مطران را پیشوای شاعران رمانتیک عرب می‌نامد که تحت تأثیر شعر رمانتیک فرانسه قرار دارد که زمینه تحول شعری را برای شاعران هم روزگار و بعد از خودش فراهم می‌کند. سپس به تلاش‌های شاعران دیوان شامل: عقاد، مازنی و شکری می‌پردازد. مرحله بعدی شعر رمانتیک را با عنوانی به نام «شاعران مهجر» بررسی می‌کند و به شعر ابوماضی اهمیت بیشتری می‌دهد که درک عمیقی از واقعیت دارد؛ وی متأثر از محمد مندور ناقد مصری، آثار شاعران مهجر را نمونه عالی شعر رمانتیک عربی می‌داند که زبان شعری آنان، آغاز جدید را در شعر عربی ایجاد کرد. (صص ۱۳۳-۱۶۶)

استل سپس شاعران مستقلی را مطرح می‌کند که نقش بسیار برجسته‌ای در تحول شعر رمانتیک عربی داشته‌اند. وی الیاس ابوشبکه و شاعرانی مانند: عمر ابو ریشه، صلاح لبکی، بشاره خوری را پیشاهنگان سبک نوین شعر غنائی می‌داند و ابوالقاسم شابی را به عنوان یکی از دست‌آوردهای گروه آپولو بررسی می‌کند. وی نتیجه می‌گیرد که شعر رمانتیک، زبان شعری نوینی را در شعر عربی ایجاد کرد. (ص ۱۹۱ و ۱۹۲)

سلمی خضرا جیوسی استاد دانشگاه‌های کمبریج و ماساچوست، فصل چهارم که «نوگرایی شعر عربی» نام دارد را نوشته است. جیوسی نوگرایی شعر عربی را ناشی از دو نیروی همزمان می‌داند: جنبش نوگرایی غربی و دوم شرایط شعر عربی در دهه دوم قرن بیستم می‌داند که در پی پاسخ به نیاز درک نوگرایی بود. سپس درباره نوگرایی غربی با عنوان «تجربه‌های زود هنگام در شکل شعری» شعر دهه پنجاه قرن بیستم را بررسی می‌کند و تجربه شعر سورئالیسم را یک انقلاب سبک گرایانه می‌داند، که هرگز تبدیل به یک سبک شعری در دنیای عرب نشد. (صص ۹۵-۲۱۳) ویژگی مهم نوگرایی شعر عربی، اهتمام به اسطوره و الگوی صورت ازلی برتر و موضوع شعر بوده است. (ص ۲۲۴) و دیگر ویژگی شعر را «نوگرایی زبان، آوا و موقعیت شعری» می‌داند. (ص ۲۳۰) که در کتاب الحركات والاتجاهات به شکل مفصل به آن پرداخته است. (جیوسی، ۲۰۰۱: ص ۴۹۹ به بعد). وی نوگرایی شعری که در دهه هفتاد قرن بیستم شکل گرفت را ناشی از تناقضاتی می‌داند که در نسل اول شاعران پیشرو رخ داد، به همین دلیل به آثارشیرست شعری منجر شد و

در نهایت شعرای تازه کار دهه هشتاد تغییری را که در دهه پنجاه شروع شده بود را ادامه دادند و آن را به اوج رساندند. (ص ۲۵۴)

مطالب جیوسی در این کتاب تقریباً فشرده همان مطالبی است که در کتاب الاتجاهات والحركات فی الشعر العربی الحديث آورده است با این تفاوت که مراحل تحول شعر را در آنجا به شکل جغرافیایی بررسی کرده است و در اینجا به شکل تاریخی بررسی می‌نماید.

فصل چهاردهم این کتاب به شعر عربی در زبان عامیانه اختصاص دارد که خاورشناس امریکایی مارلین بوث استاد دانشگاه الینویز آن را نوشته است. بوث در آغاز، اهمیت شعر عامیانه از نظر ابن خلدون را یادآوری می‌کند. (ص ۶۵۵) سپس در عنوانی با نام «تعريفات» به نام‌های گوناگون شعر عامیانه می‌پردازد و خواستگاه اصلی آن را اندلس می‌داند که در آغاز بر آن نام «زجل» نهاده‌اند و در مغرب عربی آن را «ملحون» برگرفته از لحن به معنای ناپایبندی به قواعد زبان فصیح عربی است، می‌دانند و در شبه جزیره عربی آن را «شعر نبطی» نام نهاده‌اند زیرا نبطیان قبایل غیر عرب بودند، اما شاعران معاصر از آن با نام «شعر عامیانه» یاد کرده‌اند تا ارزش شعری آن را کم جلوه دهند، در سودان و لبنان آن را «شعر قومی» یعنی ملی می‌خوانند. این نام‌های گوناگون بیانگر شیوع و رواج آن میان توده‌های مردم است. اما در کل ناقدان به آن اهمیتی نداده‌اند. در عنوانی با نام «قالب‌های سنتی در قرن نوزدهم» بوث می‌کوشد نشان دهد که شعر عامی ادامه همان موشحات اندلسی است که از طریق تجار به مصر و منطقه خاورمیانه آمده بود که در یمن به آن «دو بیتی» (دو فارسی و بیت عربی) می‌گفتند. شعر عامیانه به‌خاطر دوری ادبیات فصیح از زندگی مردم، توانست در رساندن پیام سیاسی به مردم جان تازه‌ای بگیرد و در زمان اشغالگری فرانسه در الجزایر و تونس، شعر عامیانه مردم را به ایستادگی در برابر اشغالگران دعوت کرد. (ص ۶۵۹)

سپس به تحول شعر عامیانه در سودان و عراق می‌پردازد و از میان شاعران عامیانه‌سرای عراقی، شاعر بزرگ عراق مظفر نواب را مثال می‌زند و قالب قدیمی را در هم می‌شکند و اشعارش بیانگر مناسبت‌های عاشورایی است. (ص ۶۷۵) سپس در عنوانی با نام «شعر منبری و آرمان مردم» (ص ۶۷۸) به رابطه شعر عامیانه با مردم می‌پردازد و نمونه‌هایی از شعر شاعران عامیانه سرا مانند: فؤاد نجم را می‌آورد که دست‌مایه خوانندگان عرب شده است. نتیجه‌گیری پایانی نویسنده درباره عواملی که مانع گسترش شعر عامیانه می‌شود قابل تأمل است: «عوامل سیاسی و جانب‌داری‌های فرهنگی همچنان با شعر عامیانه مخالف است. در لبنان بیم آن می‌رود که شعر عامیانه موجب

اختلافات قومی شود، در فلسطین وحدت ملت‌های عرب مانع تشویق عامیانه‌سرایی می‌شود، در مغرب برای جایگزینی عربی فصیح به جای زبان فرانسوی با عامیانه‌سرایی در تضاد است، در شبه جزیره عربی به خاطر مسائل دینی به لهجه عامیانه بی‌توجهی می‌شود، در لیبی و عراق لهجه عامیانه تعبیری برای مخالفت سیاسی به نظام به حساب می‌آید. اما با این وجود در سراسر کشورهای عربی شعر عامیانه در حال شکوفایی است و نیروی لازم برای جمع بین میراث گذشته و دنیای کنونی را دارد.» (ص ۶۸۰)

تنها همین فصل چهاردهم از این کتاب تازگی دارد، زیرا مورخان ادبیات معاصر هیچ‌گونه اهمیتی به شعر عامیانه نمی‌دهند.

نثر معاصر ادبیات عربی

الف: فنون نثر عربی: نثر عربی با انواع گوناگون آن حجم بسیار بیشتری از کتاب ادبیات معاصر تاریخ ادبیات عربی کمبریج را به خود اختصاص داده است و این امر نشان‌گسترش فنون نثری نسبت به فنون شعری در ادبیات معاصر عرب است.

۱- رمان عربی: سهم رمان عربی نسبت به دیگر فنون ادبی شعر و نثر، در کتاب ادبیات معاصر عربی کمبریج بسیار بیشتر است. فصل پنجم با عنوان پیدایش رمان عربی (ص ۲۶۵-۲۸۰) و ششم با عنوان رمان تکامل یافته در خارج از مصر (ص ۲۸۱-۳۲۲) و هفتم با عنوان رمان مصری از زینب تا ۱۹۸۰ (ص ۳۲۳-۳۸۶) درباره رمان است.

در فصل پنجم این کتاب، روجر آلن، استاد دانشگاه‌های پنسیلوانیا و فیلادلفیا، با اشاره تضاد به دو جریان تقلید از میراث گذشته و تقلید از آثار اروپایی برای ایجاد داستان‌نویسی عربی، تاریخ تحول داستان‌نویسی عربی را در بستر این دو جریان شرح می‌دهد که چگونه جریان ترجمه و تقلید از ادبیات داستانی اروپا پایه اساسی داستان‌نویسی معاصر عرب گشت و به تلاش‌های داستان‌نویسی از زمان رفاعه طهطاوی تا زمان نوشتن رمان زینب اثر محمد حسین هیکل (ص ۲۷۸) می‌پردازد و به تأثیر بی‌بدیل سید جمال الدین اسدآبادی در این زمینه اشاره می‌کند. مطالب روجر آلن در کتاب دیگرش با نام رمان عربی که حصه منیف آن را ترجمه کرده است آمده و هیچ‌گونه نوآوری در طرح موضوع آفرینش داستان عربی در ادبیات معاصر ندارد.

روجر آلن در فصل ششم با عنوان «رمان تکامل یافته عربی در خارج از مصر، شکل‌گیری رمان: دغدغه‌های سیاسی و اجتماعی» با بیان تنش‌های سیاسی بعد از جنگ جهانی دوم و انقلاب‌های بسیاری که در کشورهای عربی رخ داد، موضوعات اساسی را در چند دهه بعد از جنگ جهانی دوم می‌آورد که اولین موضوع آن، «جنگ و درگیری» (ص ۲۸۸) است و تعامل رمان با جنگ اسرائیل و فلسطین، جنگ داخلی لبنان را می‌آورد. دومین موضوع با عنوان «جهان عرب و اروپا: برخورد دو فرهنگ» را ذکر می‌کند که به مسأله مهم درگیری فکری و فرهنگی شرق و غرب در رمان عربی می‌پردازد، نمونه‌هایی از سهیل ادریس، طیب صالح (ص ۲۹۸) را می‌آورد و سومین موضوع با عنوان «بعد از استقلال» (ص ۲۹۹) به مسائل هویتی و رمان می‌پردازد.

رمان مصری از زینب تا سال ۱۹۸۰ عنوان فصل هفتم (ص ۳۲۳) این کتاب است که هیلاری کلپاتریک خاورشناس استاد دانشگاه برن آن را نوشته است. وی معتقد است که رمان عربی تا دهه شصت قرن بیستم مترادف با رمان مصری بود و این بحث ادامه بحث فصل چهارم همین کتاب با عنوان پیدایش رمان است. (ص ۳۲۳) و در عنوانی با نام «نکاتی درباره داستان بلند» (ص ۳۳۷) یادآور این نکته می‌شود که تاریخ ادبیات معاصر عرب بین داستان بلند، که از رمان کوتاه‌تر است، و داستان کوتاه تفاوتی قائل نشده است و ضمن بیان تمایز داستان بلند با رمان نمونه‌ای مانند حوای بی آدم (طاهر لاشین) و چلچراغ ام هاشم (یحیی حقی) را جز داستان‌های بلند کوتاه می‌داند. (ص ۳۳۸)

عنوان دیگر این بخش از کتاب «بررسی‌های زبانشناسی» رمان است. که چرا رمان‌های عربی در چاپ‌های متعدد دارای متن‌های یکسانی نیستند با آنکه رمان باید در همه چاپ‌های گوناگون دارای یک متن باشد، این را پدیده نادری در ادبیات عربی می‌داند. (ص ۳۵۴) و بعد از آن به رابطه انقلاب و داستان عربی می‌پردازد. در عنوان «آزمودن فرا واقع گرایی» به رمان‌نویسانی می‌پردازد که در اثر سرخوردگی از انقلاب افسران آزاد به تکنیک‌های داستانی فراواقعیتی روی آوردند و نمونه آن را داستان «بچه‌های محله ما» و دیگر داستان‌های دهه شصت قرن بیستم نجیب محفوظ می‌داند که به نسل تباه شده معروف شدند. (صص ۳۶۱-۳۶۸) در پایان ویژگی رمان‌نویس مصری را در مرحله اوج و تکامل، ثروت زبانی، شعری می‌داند که مسائل فکری و دینی را با زبانی صریح و روشن و طنزآمیز با قالب گوناگون و متنوع مطرح کرده است. (ص ۳۸۲)

به نظر می‌آید که بحث کلپاتریک دربارهٔ رمان مصری و تحلیل نمونه و سیر تحول آن از انتشار رمان زینب محمد حسین هیکل در سال ۱۹۲۴ تا ۱۳۹۸۰ توانسته است تحولات و تغییرات رمان مصری در هفت دهه را به خوبی نشان دهد.

۲- داستان کوتاه:

فصل هشتم این کتاب دربارهٔ داستان کوتاه (ص ۳۸۷)، نوشتهٔ صبری حافظ، استاد مرکز مطالعات شرق و آفریقا شناسی دانشگاه لندن است. در آن سیر تحول داستان کوتاه و موضوعات اجتماعی آن را بررسی و از آن با عنوان "هنر گسترده مردمی" یاد کرده است. (همان) اولین عنوان این فصل «خوانندگان جدید و دگرگونی احساس ادبی» (ص ۳۸۸) نام دارد که در آن به نقش مطبوعات در گسترش داستان کوتاه در میان عموم مردم عرب اشاره می‌کند. (ص ۳۸۹)

سپس با اشاره به تلاش‌های عبدالله ندیم در اواخر قرن نوزدهم (ص ۳۹۱)، نویسندگانی که در دههٔ دوم قرن بیستم هنر داستان‌نویسی نوین را بنیان نهادند، نام می‌برد. (ص ۳۹۷) و محمد تیمور پیشوای داستان کوتاه در مصر می‌نامد. (ص ۴۰۰) وی شروع و اوج داستان رمانتیک کوتاه را در دنیای عرب در دو دههٔ سی و چهل قرن بیستم می‌داند که در آن به تقدیس طبیعت و زیبایی آن می‌پرداختند و در عنوان «سایه فاجعه و نابودی» (ص ۴۲۰) به چیرگی بدبینی سیاه و عمیق در داستان کوتاه فلسطین می‌پردازد. گرایش سوسیالیستی را با عنوان شگفت‌انگیز «رمانتیک سوسیالیستی: رویای فقر» بررسی می‌کند و نمونه‌هایی از داستان‌های کوتاه توفیق یوسف عواد (ص ۴۳۵)، یوسف ادیس (ص ۴۳۸) را تحلیل می‌کند.

و در عنوان «پیشقراوان نوگرایی» (ص ۴۴۷) و به داستان‌های کوتاه نوگرایانه و مشکلات داستان کوتاه در دههٔ شصت قرن بیستم می‌پردازد و لیستی از نویسندگان داستان کوتاه در کشورهای عربی را می‌آورد که به دنبال روزنه‌های جدید داستان کوتاه می‌گشتند. (ص ۴۶۰)

به نظر می‌آید که بررسی تاریخی صبری حافظ از یک انسجام تدریجی تاریخی برخوردار نیست و رفت و آمد زیادی بین دهه‌های گوناگون قرن بیستم دارد. شگفت آنکه تمامی استنادها و حاشیه‌های این فصل بنا به گفته بدوی حذف شده است (مقدمه کتاب)، با این وجود حدود صد صفحه را به خود اختصاص داده است. تکرار موضوعات هم در این بحث‌ها زیاد است.

٣- نمایشنامه

فصل نهم با عنوان «نمایشنامه عربی: تحولات زود هنگام و قالب‌های سنتی در هنر نمایشنامه» از محمد مصطفی بدوی (ص ٤٦١) و فصل دهم با عنوان «نمایشنامه عربی از دهه سوم قرن بیستم» از علی راعی، استاد دانشگاه عین شمس قاهره، به نمایشنامه عربی اختصاص دارد.

بدوی قالب‌های نثری ادبیات کهن را که به نمایشنامه نزدیک است، ذکر می‌کند و شروع «نمایشنامه جدید» را در نیمه قرن نوزدهم با تلاش‌های «مروان نقاش» لبنانی می‌داند و از «یعقوب صنوع» به عنوان نخستین نمایشنامه نویسی مصری یاد می‌کند. سپس افرادی را که در سوریه و لبنان در گسترش نمایشنامه نقش داشتند، به عنوان رهروان مروان نقاش، نام می‌برد و تحولات نمایشنامه را در مصر با آثار فرح انتوان، ابراهیم رمزی، محمد تیمور و آنتوان یزبک تحلیل می‌نماید. بدوی نتیجه می‌گیرد که نمایشنامه نویسان مصری با زبان عامیانه و فصیح آثارشان را می‌نوشتند و به مسائل جامعه مصر، مانند: آزادی زن، روابط زن و مرد و درگیری نسل‌ها پرداختند که بیانگر انتقال جامعه مصری از شکل سنتی به امروزی و مشکلات آن بود و توفیق حکیم را برترین نمایشنامه‌نویس عربی می‌داند. (صص ٤٦٤-٤٩٩)

علی راعی در فصل دهم، تحولات نمایشنامه را از دهه سی میلادی قرن بیستم به بعد (ص ٥٠١) با تحلیل نقش احمد شوقی در گسترش نمایشنامه شعری بررسی می‌کند و با تحلیل نمایشنامه‌های شعری عزیز اباطه عبدالرحمن شرقاوی (دو نمایشنامه حسین شهید و حسین انقلابی)، صلاح عبدالصبور و نجیب سرور سیر تحول نمایشنامه شعری را نشان می‌دهد. از نظر وی، بیشترین حجم موضوعات نمایشنامه به نمایشنامه شعری فلسطین اختصاص دارد. (صص ٥٠٣-٥١١) سپس به تحلیل آثار توفیق حکیم، بنیانگذار نمایشنامه مصری، و دیگر نمایشنامه‌نویسان جدید مصر مانند: نعمان عاشور، الفرد فرج، میخائیل رومان، محمود دیاب، یوسف ادیس و نمایشنامه‌پر سروصدای وی با نام «فرافیر» و علی احمد باکثیر می‌پردازد. آنگاه نمایشنامه‌نویسی را در خارج از مصر (لبنان، سوریه، عراق ...) به شکل بسیار گذرا بررسی می‌کند. (صص ٥١٥-٥٦٣)

علی راعی سیر تحول نمایشنامه‌نویسی را براساس نمایشنامه‌نویسان بررسی کرده و به تحلیل موضوعی نمایشنامه‌نویسی عربی پرداخته است و هیچ‌گونه ارجاعی به منابع نداده است. در مجموع داده‌های این دو فصل از کتاب مانند کتاب‌های مشابه است و برتری خاصی ندارد.

ب: نقد نثر عربی:

فصل‌های یازده و دوازده و سیزده این کتاب دربارهٔ نثر عربی است. در فصل یازدهم "پییر کاکیا" شیوه‌های نثر معاصر (ص ۵۶۷) را بررسی کرده است و با ذکر نمونه‌هایی از نثر حسن عطار، ناصیف یازجی، رفاعه طهطاوی و عبدالله ندیم ویژگی نثر آنان را مسجع و اهتمام به آرایه‌های لفظی می‌داند. وعلی رغم تغییرات سیاسی و اجتماعی گسترده‌ای که اثر ارتباط با غرب در آغاز قرن نوزدهم رخ داد، اما همچنان همان شیوهٔ نثر مسجع ساختگی به ارث مانده از دورهٔ قبل حاکم بود. وی دگرگونی در شیوهٔ نثر معاصر و ساده نویسی را مدیون روزنامه‌نگاران سوری مسیحی می‌داند و فارس شدیاق، محمد عبده، اصلاحگر مذهبی و شاگرد سیدجمال را پیشاهنگان ترک نثر مسجع می‌نامد. (ص ۵۶۷-۵۷۴)

سپس نقش «نگرش رمانتیک» را در تحول نثر نوین بررسی می‌کند که تحت تاثیر رمانتیک حزن آمیز فرانسه شکل گرفت. آثار محمدحسین هیکل، می زیاده، مصطفی لطفی منفلوطی و یحیی حقی را به عنوان نمونهٔ نثر حزن‌آمیز رمانتیک می‌آورد. وی نثر پخته امروزی را در آثار نجیب محفوظ و یوسف ادريس بررسی می‌کند. (صص ۵۱۵-۵۸۱)

پییر کاکیا تحول شیوهٔ نوشتاری نثر معاصر عربی را بسیار ساده و بدون هیچ گونه تحلیلی از شیوه‌های نثری گوناگون، ارائه داده است. فقط سیر تحول نثر از نثر مسجوع به نثر ساده را در داستان عربی بررسی می‌کند، اما اثری از تحلیل شیوه‌های نوشتاری نثر معاصر عرب نیست. فصل دوازدهم به "نثر نقدی" یا ناقدان عرب اختصاص دارد. در آن به سیر تحول نقد ادبی از آغاز دورهٔ معاصر تا دورهٔ شصت میلادی قرن بیستم را بررسی می‌کند. در کل تا اواخر قرن نوزدهم هیچ‌گونه معیاری برای بیان ادبی وجود ندارد. وی نقطهٔ آغازین تحول را در نقد ادبی ترجمهٔ بخش‌هایی از شعر بوالو، شاعر فرانسوی قرن هفدهم می‌داند که در مقدمهٔ آن، توصیه ناقدان را به شاعران جوان می‌آورد. جنبشی را که سید جمال و محمد عبده ایجاد کرده بودند نیاز داشت تا مانند اروپائیان اقدام کنند، اما با حفظ فرهنگ دینی اسلامی و آزادسازی زبان عربی از بند نگرش سنتی و قید و بند گذشته، سپس نوعی تمجید مبالغه‌آمیز در پیروی از غرب در سخنان خلیل مطران، طه حسین و حتی ناقد متأخرتری مانند محمد مندور شکل گرفت، تا آنجا که مویلی با تأسف از توانمندی یک انگلیسی در استفاده از زبان عربی و ناتوانی یک مصری در یادگیری زبان مادری اش می‌نالد. وی با ذکر ناقدانی مانند: مصطفی صادق رافعی، سلامه موسی، احمد شایب، محمد عوض محمد، لويس عوض، محمد مندور و جابر عصفور به «گرایش

جدید» نقد عربی می‌پردازد. در این زمان ناقدانی مانند: زکی مبارک با کتاب "نثر هنری در قرن چهارم هجری"، محمد مندور با کتاب "نقد روشمند در عربی" و احسان عباس با کتاب "تاریخ نقد ادبی در عرب" و تلاش‌های نقدی طه حسین، عباس محمد عقاد و گروه آبولو زمینه تثبیت نقد عربی را فراهم آوردند، سپس به اندیشه واقع‌گرایی سوسیالیستی می‌پردازد و چپ‌گرایی مانند: شبلی شملیل، فرح آنتوان، لوئیس عوض و ناقدان جامعه‌گرایی مانند: عبدالعظیم انیس، محمود العالم، غالی شکری و جورج طرابیشتی نام می‌برد. (صص ۵۸۶-۶۱۴)

در پایان «نقد زبان‌شناسی» را مطرح می‌کند که بیشتر در مغرب دنیای عرب و تحت تأثیر زبان فرانسوی شکل گرفت و ناقدانی مانند: عبدالسلام مسدی، صلاح فضل، خلدون شمع، موریس أبوناظر و کمال ابودیپ آن را گسترش دادند. (ص ۶۱۷)

پییرکاکیا در این فصل به شکل کلی گرایش‌های نقدی را در سیر تحول نقد ادبی در دنیای معاصر بررسی کرده، اما بیشتر به تحول نقد عربی از شیوه سنتی به نقد جدید توجه نموده است. خانم ماریام کوک استاد دانشگاه دوک آمریکا، فصل سیزدهم کتاب ادبیات معاصر تاریخ ادبیات عربی کمبریج، با عنوان «عربی‌نویسان زن» نوشته است. وی به تلاش‌های چهار نویسنده زن در قرن نوزدهم می‌پردازد. (عائشه تیموریه، ورده یازجی، زینب فواز و باحثة بادیه) که به خاطر فضای مناسب سیاسی-اجتماعی، در مصر زندگی می‌کردند. آنگاه با عنوان «صداهاى حاشیه‌ای»، آثار خانم الفه ادلبی (داستان‌نویس سوری)، سهیر قلم‌اوی، عائشه بنت الرحمان معروف به بنت الشاطئ (ناقدان مصری)، نازک ملائکه عراقی (پیشواى شعر نو) و زنان نویسنده مبتکری مانند: موزه زبد بحرینی، جاذبیه صدقی مصری و صوفی عبدالله را بررسی می‌کند. سپس رمان‌های لیلی بعلبکی، لطیفه زیات، نجیبه عسال، غاده سمان و امیلی نصرالله را به عنوان نمونه‌هایی می‌آورد که آثار داستانی آنان، مضمون شورش در برابر شرایط موجود جامعه زنان را دارد. در بخشی با عنوان «صداهاى فلسطین»، به آثار سلمی خضرا جیوسی، فدوی طوقان، سمیره عزام و سحر خلیفه می‌پردازد. ماریام کوک معتقد است که زنان نویسنده کمتر از مردان نویسنده به گفتمان سیاسی اهمیت داده‌اند. در عنوان «پختگی» به آن دسته از آثار زنانه‌نویسی می‌پردازد که در دهه هشتاد قرن بیستم نوشته شده است، در این بخش موضوع ظهور بنیادگرایی اسلامی را مطرح می‌کند که برخی زنان نویسنده به دنبال حقوقی بودند که در قرآن و سنت وجود دارد، اما در واقعیت آن را نمی‌یابند، مانند آلفه رفعت مصری که به خاطر نوشتارهایش همسرش خشمگین شد و او را از انتشار مطالبش بازداشت. در پایان ماریام کوک، زنانه‌نویسی را در دنیای عرب به سه مرحله

تقسیم می‌کند: مرحله آموزش تا دهه پنجاه قرن بیستم؛ دوم مرحله شورش که از دهه پنجاه تا هفتاد همان قرن ادامه داشت؛ مرحله سوم را ایجاد جهانی منحصر به فرد زنانه می‌داند که در بیروت شکل گرفت و مردان را هم خواننده آثار زنان کرد. (صص ۶۲۷-۶۵۱)

تحلیل استنادی

نمی‌توان به سادگی کتاب ادبیات معاصر تاریخ ادبیات عربی کمبریج را تحلیل استنادی کرد و آن را ارزیابی نمود، زیرا محمد مصطفی بدوی گردآورنده این کتاب، می‌نویسد که بسیاری از استنادها را به خاطر گستردگی حجم کتاب، حذف کرده است زیرا تدوین و تنظیم کتاب‌شناسی یکسان برای این کتاب دشوار می‌کرد و سود چندانی ندارد. (ص ۹) و بیان می‌کند که در برخی فصل‌ها ارجاعات را هم حذف کرده‌اند و تنها در دو فصل سیزدهم «زنانه‌نویسان» و چهاردهم «شعر عامیانه» اجازه آوردن کتاب‌شناس را داده است زیرا این دو فصل جدید هستند و همچنین فصل هشتم که درباره داستان کوتاه است، اجازه چاپ کتاب‌شناسی را داده است زیرا حجم گسترده از ادبیات معاصر عرب به این نوع ادبی اختصاص دارد. (همان، ص ۹)

شیوه کتاب در استناددهی یکسان نیست در بخش نخست فصل اول که محمد مصطفی بدوی آن را نوشته است هیچ گونه ارجاع و کتاب‌شناسی ندارد اما در بخش دوم فقط ارجاعات به تعداد ۱۷ ارجاع وجود دارد همچنین فصل‌های دوم ۶۴ ارجاع، فصل سوم ۷۴ ارجاع؛ فصل چهارم ۶۸ ارجاع؛ فصل پنجم از آلن بدون ارجاع و فصل ششم فقط ۸ ارجاع و فصل هفتم (هیلاری کیلباتریک) ۶۳ ارجاع دارد؛ فصل هشتم (صبری حافظ) ارجاعی ندارد اما تعداد ۸ ارجاع از مترجم دارد که توضیح چند مورد است، فصل نهم (محمد مصطفی بدوی مانند: بخش اول فصل اول هیچ ارجاعی ندارد؛ فصل دهم (علی راعی) ارجاعی ندارد، فصل یازدهم (پییرکاکیا) ۴۳ ارجاع دارد، فصل دوازدهم (پییرکاکیا) ۱۰۵ ارجاع؛ فصل سیزدهم (ماريام کوک) ۲۹ ارجاع و فصل چهاردهم (مارلین بوث) ۶۱ ارجاع دارد.

شیوه ارجاع دهی در اصل انگلیسی در پایین هر صفحه است اما در عربی در آخر هر فصل آورده است.

در پایان کتاب لیست مراجع، ابتدا مراجع عمومی به زبان عربی و سپس به زبان انگلیسی و بعد از آن مراجع هر فصل را جداگانه در ۸۴ صفحه از صفحه ۶۸۷ تا صفحه ۷۷۰ آورده است. این امر اگر چه به خاطر اقتضای شرایط انتشار این کتاب است اما به نظر می آید، به نوعی با اعتبار علمی کتاب لطمه می زند هرچند ناشر آن دانشگاه کمبریج باشد.

نتیجه گیری:

از مجموع بحث های طولانی که گذشت می توان نتیجه گرفت که کتاب ادبیات نوین عرب تاریخ ادبیات عربی کمبریج از جنبه کمی به خاطر هدفش که معرفی ادبیات نوین عرب به مردمان مغرب زمین است، توانسته تا حدود زیادی متناسب با نیاز آنان موضوعات اساسی ادبیات نوین عرب را معرفی کند.

- به نثر معاصر عربی بیش از شعر معاصر عرب توجه کرده است و بیش از دو سوم بحث های کتاب درباره نثر عربی است.
- رمان عربی بیشترین حجم کتاب را در میان فنون نثر عربی به خود اختصاص داده است.
- برای اولین بار یک متن علمی دانشگاهی موضوع شعر عامیانه را به شکل مستقل در کنار دیگر فنون ادبی مطرح کرده است و این با توجه به گسترش شعر عامیانه در چند دهه گذشته بسیار قابل توجه می نماید.
- زنانه نویسان عرب را به عنوان یک موضوع مهم و مستقل در یک فصل جداگانه بررسی کرده است.
- ویژگی غالب محتوای این کتاب، بررسی سیر تحول تاریخی و گاهی موضوعی هنرها و اسلوب های ادبی ادبیات نوین عرب است که سیر تحول هر یک از آنها را از قدیم به جدید نشان داده است اگر چه کمتر تحلیل کرده است.
- اگرچه در این کتاب شعر و نثر عربی بر اساس موضوعات ادبی بررسی شده است اما همچنان این بررسی ها تحت تأثیر بررسی تاریخی نقش ادبای عرب است تا انواع ادبی.
- اگرچه در فصولی از کتاب بنا به نظر گردآورنده، پاورقی های ارجاعی حذف شده است و این امر به نوبه خود یک ضعف علمی به شمار می رود، اما منابع عربی و انگلیسی بسیار زیادی که در بخش کتاب شناسی آورده است، یک مجموعه عظیم را برای شناخت منابع مهم ادبیات نوین عربی در اختیار پژوهشگران و خوانندگان قرار می دهد.

مراجع و مأخذ

- اکبری زاده، فاطمه (۱۳۹۸) بررسی و نقد کتاب اعلام الأدب العربی الحديث واتجاهاتهم الفنية، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، مجله پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی، شماره ۷۲، ص ۱۵-۳۴
- بدوی، محمد مصطفی (۲۰۰۲)، تاریخ کمبریج للادب العربی: الادب العربی الحديث، تحرير: عبدالعزيز السبيل، ابوبکر القادر، محمد الشوکاني، جده، نادي الادبي الثقافي، الطبعة الاولى.
- بعلی، حنفاوی (۲۰۱۸) الترجمة وجماليات التلقي المبادلات الفكرية الثقافية، دارالبازوري العلمية للنشر والتوزيع.
- پروینی، خلیل؛ محمدی رکعتی، دانش (۱۳۹۳) نقد و بررسی الفنون الادبية واعلامها في النهضة العربية الحديثة، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، مجله پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی، شماره ۳۳، ص ۱۰۹-۱۲۵
- جوادى، محمد (۲۰۱۹) محمد مصطفى بدوي الأستاذ النادر للادبين العربي والإنجليزي معا <https://blogs.aljazeera.net/blogs/2019>
- الجبوسى، سلمى الخضراء (۲۰۰۱)، الاتجاهات والحركات فى الشعر العربی الحديث، عبدالواحد لؤلؤه، چاپ اول، بيروت مركز داراسات الوحدة العربيه.
- رجبی، فرهاد (۱۳۹۶) آسیب شناسی الجامع فی تاریخ الأدب العربی الحديث، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، مجله پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی، شماره ۴۴، ص ۱۱۵-۱۳۵
- دسوقي، عمر (۱۹۷۳) في الادب الحديث، قاهره، دارالفکر، چاپ هشتم.
- سکوت حمدي، (۱۹۹۴) تاريخ کمبریج للادب العربی الحديث، مجله العربی.
- <http://www.3rbi.info/Article.asp?ID=3628>
- شرابی، هشام (۱۹۸۱) المتقفون العرب والغرب، بيروت، دار النهار للنشر، ط ۲
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۰)، شعر معاصر عرب، تهران انتشارات سخن چاپ.
- ضیف، شوقي (۱۹۶۱) الادب العربی المعاصر فى مصر، قاهره، دار المعارف بمصر، چاپ سوم.
- فاخوري، حنا (۱۹۸۶) الجامع في تاريخ الادب العربی (العصر الحديث)، بيروت، دارالجليل، چاپ اول.
- مختاری، قاسم؛ فرجی، مطهره (۱۳۹۴)، نقد و بررسی کتاب مختارات من الشعر العربی الحديث، اثر مصطفى بدوی، تهران، سازمان سمت، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش و نگارش، شماره ۳۶، ص ۱۱۲-۱۳۱
- ملاح، يهاب (۲۰۱۸) ترجمة عربية لموسوعة كميردج لتاريخ الادب العربی www.alittihad.ae/article
- ميرزائي، فرامرز؛ فقهي، عبدالحسين (۱۳۹۷) قضيه الالتزام بين الخطابين النقدي والشعري فى الأدب العربی المعاصر، مجله اضاءات نقدية، شماره ۳۲، ص ۹-۲۴
- ميرزائي، فرامرز؛ طاهري نيا، علي باقر (۱۴۲۵) دور السيد جمال الدين الاسد ابادي في النهضة الادبية المعاصرة، مجله العلوم الانسانية، العدد ۱۱، ص ۶۵-۷۳
- BADAWI, M.M.(1992),The Cambrigde Hitory of Arabic Literature:Modren Arabic Literature , CAMBRIDGE UNIVERSITY PRESS Cambridge, New York, Melbourne, Madrid, Cape Town, Singapore, Sao Paulo

References and sources

- Akbarizadeh, Fatemeh (٢٠١٨) review and criticism of the book Alam Al-Adab al-Arabi al-Hadith and their technical aspects, Tehran, Research Institute of Humanities, Journal of Critical Research of Texts and Programs of Humanities, No. ٧٢, pp. ٣٤-١٥
- Badawi, Mohammad Mustafa (٢٠٠٢), Cambridge History of Arabic Literature: Al-Adab al-Arabi al-Hadith, Edited by: Abdul Aziz Al-Sabil, Abu Bakr Al-Qadir, Mohammad Al-Shoukani, Jeddah, Al-Adabi Cultural Society, first edition.
- Baali, Hanfawi (٢٠١٨) Translation and Aesthetics of Cultural Intellectual Exchange, Al-Azuri Al-Elamiya Publishing House.
- Parvini, Khalil; Mohammadi Rakati, Danesh (٢٠١٣) Criticism and review of literary arts and sciences in the modern Arab Renaissance, Tehran, Research Institute of Humanities, Journal of Critical Research of Texts and Programs of Humanities, No. ٣٣, pp. ١٠٩-١٢٥
- Javadi, Mohammad (٢٠١٩) Mohammad Mostafa Badawi Al-Ustad Al-Nader for Arabic and English literature together
<https://blogs.aljazeera.net/blogs/٢٠١٩>
- Al-Jiusi, Salmi Al-Khadra (٢٠٠١), Trends and Movements in Al-Sha'ar al-Arabi Al-Hadith, Abdul Wahid Lulueh, first edition, Beirut Center for Darasat al-Wahda al-Arabiya.
- Rajabi, Farhad (٢٠١٤) Pathology of al-Jamae in the History of Arabic Literature of Hadith, Tehran, Research Institute of Human Sciences, Critical Research Journal of Texts and Programs of Human Sciences, No. ٣٤, pp. ١١٥-١٣٥
- Dasuqi, Omar (١٩٧٣) in Al-Adab al-Hadith, Cairo, Dar al-Fikr, ٨th edition.
- Sekot Hamdi, (١٩٩٤) The Cambridge History of Modern Arabic Literature, Al-Arabi Magazine.
<http://www.rbi.info/Article.asp?ID=٣٤٢٨>
- Sharabi, Hisham (١٩٨١) Al-Muthaqafoon al-Arab wal-Gharb, Beirut, Dar-e-Nahar, Vol. ٢
- Shafiei Kodkani, Mohammad Reza (٢٠٠٠), Contemporary Arab Poetry, Tehran, Sokhonchap Publications.
- Zaif, Shoghi (١٩٤١) Contemporary Arabic literature in Egypt, Cairo, Dar al-Maarif Bemsir, third edition.
- Fakhuri, Hana (١٩٨٤) Al-Jamae fi Tarikh al-Adab al-Arabi (Al-Asr al-Hadith), Beirut, Dar al-Jeel, first edition.
- Mokhtari, Qasim; Faraji, Motahara (٢٠١٤), review of the book Mokhtarat Man al-Shaar al-Arabi al-Hadith, by Mustafa Badavi, Tehran, Samt Organization, Research and Writing Scientific Quarterly, No. ٣٤, pp. ١١٢-١٣١
- Mallah, Yahab (٢٠١٨) Arabic translation of Cambridge Encyclopedia of Arabic Literature www.alittihad.ae/article
- Mirzai, Faramarz; Fakhri, Abdul Hossein (٢٠١٧) The Theorem of Obligation Between Critical and Poetic Orators in Contemporary Arabic Literature, Azaad Naqdiya Magazine, No. ٣٢, pp. ٢٤-٩
- Mirzai, Faramarz; Taheri Nia, Ali Baqir (١٤٢٥), the era of Sayyid Jamal al-Din al-Assadabadi in the contemporary literary revival, Journal of Humanities, No. ١١, pp. ٦٥-٧٣
- BADAWI, M.M. (١٩٩٢), The Cambridge History of Arabic Literature: Modern Arabic Literature, CAMBRIDGE UNIVERSITY PRESS Cambridge, New York, Melbourne, Madrid, Cape Town, Singapore, Sao Paulo

تحليل نقدي لكتاب "تاريخ كامبريدج للأدب العربي الحديث"

نوع المقالة: دراسة حالة

خديجة شاه محمدي*^١، فرزانه اكبرى لهرمي^٢، فرامرز ميرزائي^٣

١. ماجستير في اللغة العربية وآدابها بجامعة الشهيد بهشتي، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، إيران، طهران

٢. بكالوريوس في اللغة العربية وآدابها بجامعة العلامة الطباطبائي، كلية الآداب الفارسية واللغات الأجنبية، إيران، طهران

٣. أستاذ في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة تربية مدرس، كلية العلوم الإنسانية، طهران، إيران.

الملخص:

لا يمكن حصر الموضوعات الأدبية للأدب العربي الحديث في كتاب واحد، وذلك لامتدادها التاريخي والجغرافي والموضوعي، إلا أن جامعة كامبريدج تصدت لهذا الأمر المهم، وخصصت مجلداً واحداً من المجلدات الستة التي تتناول تاريخ الأدب العربي للأدب العربي الحديث. حيث قام محمد مصطفى بدوي، بالتعاون مع عشرة من أساتذة اللغة العربية وآدابها في الجامعات الرائدة في العالم، بتأليف هذا الكتاب بناء على الموضوعات الشعرية والنثرية في أربعة عشر فصلاً، وبلغت بسببها بعيدة عن التعقيدات العلمية، لتعرف المخاطب الغربي على الأدب العربي المعاصر. يقع الكتاب الأصلي للأدب العربي الحديث في ٥٨٤ صفحة وترجمته العربية في ٧٧٥ صفحة، وينقسم إلى أربعة أقسام: "أسباب النهضة الأدبية"، و"الشعر المعاصر الفصيح والعامي"، و"فنون النثر العربي الحديث"، و"نقد النثر المعاصر ودراسته". ومن تحليل المحتوى الكمي والتنوعي ومصادر الكتاب تبين أن نسبة حجم النثر إلى الشعر أكثر من الضعفين، وأن الحصة الكبرى من الكتاب مخصصة للرواية العربية، ومن الجانب النوعي، فأهم ما يميز هذا الكتاب هو التحليل التاريخي لكل جنس أدبي بناء على تطوره، كما أنه مبتكر في تناول موضوعي "الكاتبات في الوطن العربي" و"الشعر الشعبي العربي"، ومن ناحية الاقتباس، فقد تمت إزالة الهوامش المرجعية في العديد من الفصول، لتقليل من حجم الكتاب وتبسيط عرض المواضيع، ولكن المجموعة الواسعة من المصادر المستخدمة في قسم قائمة المصادر والمراجع يمكن أن تكون مرجعاً قيماً لمعرفة مصادر كتب الأدب العربي الحديث باللغتين العربية والإنجليزية. وبشكل عام، يعتبر الأصل الإنجليزي والترجمة العربية لهذا الكتاب مصدراً مناسباً لتدريس الأدب العربي الحديث والبحث فيه.

الكلمات الرئيسية: الأدب العربي الحديث، فنون الشعر، فنون النثر، تاريخ كامبريدج، مصطفى بدوي.